ZENDEGI - SALAM
ضمیمه روزانه روزنامه خراسان
دوشنبه • ۱۹ بهمن ۱۳۹۴
۲۸ ربیع الثانی ۱۴۳۷ • ۸ فوریه ۲۰۱۶
۴۱۰

«محمد گلریز»: ریتم سرودهای انقلاب را از شعارها و حنجره پاک مردم می‌گرفتیم

مازیار حکاک- نام و صدای «محمد گلریز» با سرودهای انقلابی عجین شده است. خودش هم می‌گفت یک دنیا سرود و آهنگ با مضامین انقلابی در کارنامه دارد. با او که آثاری مانند «بانگ آزادی» و «خجسته باد این پیروزی» را در بین مشهورترین سرودهای انقلابی دارد درباره خاطراتش از تولید این آثار و نقش موسیقی در تثبیت ارزش‌های انقلابی به گفت و گو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

«بانگ آزادی» بهترین کار انقلابی من است

محمد گلریز درباره این ترانه به «زندگی سلام» می گوید: «بانگ آزادی» یکی از بهترین کارهایی است که من در بحبوحه انقلاب خواندم. حتی قرار بود مقطعی این سرود، سرود ملی کشورمان شود که بعد در نهایت سرود فعلی انتخاب شد. این آهنگ در سال ۱۳۵۸ ساخته شد و شعر آن از استاد حمید سبزواری است که بیشتر شعرهای انقلابی آن مقطع را ایشان سروده‌اند. من آن زمان خیلی درگیر کارهای انقلاب بودم و به یاد دارم که شب‌ها به منزل استاد راغب آهنگساز این کار می‌رفتیم و تا نیمه‌های شب روی آثار کار می‌کردیم. جالب است که این کار ۳۶ سال است که هر روز قبل از ساعت ۱۴ با کلام امام(ره) از رادیو پخش می‌شود و وقتی شما این شعر را گوش می‌دهید تمام حال و هوای آن زمان و پیام انقلاب در آن گنجانده شده است.

«خجسته باد این پیروزی» برای آزادسازی خرمشهر خوانده شد

ترانه «خجسته باد این پیروزی» در ذهن برخی از ما به خاطر پخش در مدرسه و دانشگاه آن هم در ایام دهه فجر به عنوان ترانه ویژه دهه فجر ماندگار شده اما خاطره گلریز از این ترانه جالب است: قبل از عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر، از سپاه خواستند که کاری شاد را برای پیروزی رزمندگان آماده کنم. ما آن زمان کار را شروع کردیم و این کار ساخته شد اما پخش نمی‌شد. خاطرم هست که روز ۳ خرداد ۱۳۶۱ در ماشین بودم که خبر آزادسازی خرمشهر عزیز از رادیو اعلام شد و بلافاصله هم این کار «خجسته باد این پیروزی» پخش شد، همزمانی این ماجرا باعث شد من همان جا در ماشین اشکم سرازیر شود. بعد از آن هم این آهنگ از تمام شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی به فاصله کمی پخش شد و حسابی این کار گرفت. جالب این که بعدها یکی از رزمندگان هم پیش من آمد و گفت در جبهه در مقرها و یا حتی در خودروها این کار شما پخش می‌شد و به نوعی همه با این کار و شیرینی پیروزی، خاطره داشتند. البته این کار از این حیث که سال ۶۱ و تنها چند سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ساخته شد در بین سرودهای انقلابی هم قرار گرفت و در دهه فجر در مدارس، تلویزیون و رادیو پخش می‌شد برای همین هم بیشتر بچه‌های آن نسل این سرود را از حفظ هستند و اشاره یک بیت کافی است تا آن‌ها شعر و ریتم را به یاد بیاورند. حمل بر خودستایی نباشد اما این آهنگ کار ماندگاری شد که هر وقت می‌شنوی انگار جدید است.

اولین خواننده‌ای بودم که با امام(ره) دیدار داشتم

گلریز خاطره اش از دیدار با امام(ره) را هم این چنین بازگو کرد: «بعد از کاری که برای شهید مطهری خواندیم قرار شد به دیدار امام(ره) برویم. اول حاج احمد آقا در طبقه پایین برای ما کمی صحبت کردند و بعد رفتیم خدمت امام که در طبقه بالا نشسته بودند. دستشان را بوسیدیم و کنارشان نشستیم. معنویت اتاق و حضرت امام(ره) ما را تسخیر کرده بود. کسی که قرار بود به عنوان نماینده ما سخن بگوید نتوانست حرفی بزند و مات و مبهوت عظمت و معنویت امام قرار گرفته بودیم. حاج احمد آقا ما را معرفی کردند و فرمودند این‌ها گروهی هستند که سرود شهید مطهری و این بانگ آزادی است کز خاوران خیزد و سرودهای انقلابی دیگری را تهیه و اجرا کرده‌اند. حضرت امام(ره) ما را مورد مهر و محبت خود قرار دادند و دو بار فرمودند: خدا در پناه اسلام حفظتان کند. خدا در پناه اسلام حفظتان کند. من افتخار می کنم که اولین خواننده‌ای بودم که به این شکل و بدون واسطه با ایشان دیدار کردم. به هر حال خاطره این دیدار هیچ‌گاه از ذهن من پاک نمی‌شود.

موسیقی در تثبیت ارزش‌های انقلاب بسیار تاثیرگذار بود

گلریز درباره نقش هنر در ماندگاری پیام انقلاب می گوید: زبان هنر، زبان بسیار اثرگذاری است و هر کاری که هنرمندانه انجام شود بسیار تاثیرگذار است. مسائل هنری و موسیقی در تثبیت ارزش های انقلاب بسیار تاثیرگذار بود. سرودهایی که ما در آن مقطع خواندیم حتی ریتمش را در بیشتر مواقع از شعارهای مردم می‌گرفتیم و ما بیشتر آهنگ‌ها را از حنجره پاک مردم داریم. مردم هم بعضی از کارهای ما را در راهپیمایی‌ها استفاده می‌کردند، در واقع یک رابطه دو طرفه برقرار بود. ما البته خودمان هم در بین مردم بودیم برای همین آن کارها خیلی خوب و ماندگار شد.

درباره سرودهای خاطره انگیز انقلابی و نقششان در معرفی انقلاب

یار دبستانی من...

مجید حسین زاده- «خمینی ای امام خمینی ای امام»، «ایران ایران ایران رگبار مسلسل ها»، «آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو» و ... سرودهایی است که با فرارسیدن دهه فجر برای چندین و چندمین بار از رسانه های تصویری و شنیداری شنیده می شود اما این تکرارها باعث دلزدگی نمی شود و هر بار انسان دوست دارد که تا لحظه و بیت آخر این شعرها را با خواننده زیر لب زمزمه کند. آن هایی که آن دوران را از نزدیک دیده اند، با شنیدن این اشعار خاطرات آن روزها جلوی چشمانشان می آید ولی برای نسل های بعدی که آن روزها را ندیده اند شنیدن این سرودها مثل پلی است به سوی درک بهتر روزگاری شورانگیز.
در پرونده امروز به مرور جزئیاتی خواندنی پیرامون تعدادی از معروف ترین سرودهای انقلابی می پردازیم.

طرح از ادوین قاسمی

مروری بر متن و حاشیه های معروف ترین سرودهای انقلابی

ترانه هایی که روی ماندگاری کوک شدند

ناصر رعیت نواز- روزهای قبل از پیروزی انقلاب، ترانه هایی تولید می شد با هدف تبیین اهداف این نهضت بزرگ؛ در روزهای پیروزی نیز تولید این ترانه ها اوج گرفت و طی سال ها در سالروز بزرگداشت پیروزی انقلاب ادامه داشت و بسیاری از آن ها خاطره انگیز شد. تعداد ترانه های مربوط به پیروزی انقلاب کم نیست، بخشی از خاطره انگیزترین هایشان را انتخاب کردیم تا بدانید چه کسی آن ها را خوانده، چه کسی سروده و در چه زمانی و تحت چه شرایطی اجرا شده است.

خمینی ای امام، خمینی ای امام

شاعر: حمید سبزواری
خواننده: گروهی ۵۰ نفره
آهنگساز: حمید شاهنگیان

- **قسمتی از متن شعر**: «خمینی ای امام، خمینی ای امام/ ای مجاهد ای مظهر شرف / ای گذشته ز جان در ره هدف / هر زمان می رسد از تو این ندا / ای اسیران و مستضعفان به پا»
- **نکته**: این ترانه در مراسم استقبال از امام (ره) پخش شد.

هرچند بسیاری از سروده های انقلابی استاد سبزواری از زیبایی زبان، معنای عمیق و زیبایی اندیشه برخوردار است اما سروده «خمینی ای امام» به گونه منحصر به فردی سرآمد همه اشعار او محسوب می شود؛ زیرا این سروده در لحظه تاریخی ورود بنیانگذار انقلاب اسلامی به ایران در فرودگاه مهرآباد توسط یک گروه سرود انقلابی به صورت زنده اجرا شد و مورد تحسین و توجه قرار گرفت. آنچه در ارتباط با این میراث معنوی، جالب توجه به نظر می رسد ثبت نام از ۴۰۰ نفر در سال ۵۷ به منظور تست و تشکیل گروه ۵۰ نفره ای برای اجرای این سرود تاریخی بوده است. حمید سبزواری درباره سرود «خمینی ای امام» گفته است: «شعر این سرود را من قبل از پیروزی انقلاب سرودم یعنی وقتی که امام(ره) از نجف به پاریس رفتند. در آن موقع اعلامیه های حضرت امام به ایران می آمد و تکثیر می شد و سخنرانی های ایشان در نوار کاست ضبط می شد و در دست همه می چرخید، وقتی این نوارها تکثیر شد، یک طرف این نوارها خالی بود، دوستانم به من گفتند که شعری برای طرف دیگر نوار بگو که من یکی از شعرهایی که سرودم «خمینی ای امام» بود که به همراه سخنرانی های امام تکثیر می شد. پیش از انقلاب خیلی ها در ماشین ها و خانه هایشان این سرود را داشتند و گوش می کردند. وقتی که همه درها بسته شد و رژیم دیگر به ستوه آمده بود، قرار شد که امام (ره) به ایران بیایند، با خود گفتم که وقتی امام می آید، خوب است شعری داشته باشم که در فرودگاه بخوانم، بنابراین سه شعر؛ «خوش آمدی امام ما» و «خمینی ای امام» و «برخیزید ای شهیدان راه خدا» را که سروده بودم، برای آن روز آماده کردم که «خمینی ای امام» قبلا ضبط شده بود اما آن را ضبط مجدد کردیم که در فرودگاه پخش شد و خوشحالم که کارم ارزش داشته است که پخش شود و زحماتم به هدر نرفته است.»

بوی گل سوسن و یاسمن آید

شاعر: محمدعلی ابرآویز
خواننده: گروهی
آهنگساز: محمدعلی ابرآویز

- **قسمتی از متن شعر**: «بوی گل سوسن و یاسمن آید/ عطر بهاران کنون از وطن آید/ جان ز تن رفتگان سوی تن آمد/ رهبر محبوب خلق از سفر آمد/ دیو چو بیرون رود فرشته در آید/ بگذرد این روزگار،تلخ تر از تلخ/ بار دگر روزگار چون شکر آید»
- **نکته**: این سرود در اوج خفقان و حکومت نظامی ساخته شد.

ابرآویز، سازنده سرودهای انقلابی درباره این اثر می گوید: قطعه «بوی گل سوسن و یاسمن آید» قبل از ورود امام خمینی(ره) و در زمانی که ایشان در تبعید بودند، ساخته شد. بنده که در آن سال ها بیشتر سرودهای انقلابی را ساخته بودم یا تهیه کنندگی آن را بر عهده داشتم، قطعه «بوی گل سوسن و یاسمن آید» را قبل از آمدن امام به تهران ساختم. در واقع زمانی که ایشان در عراق بودند و حتی زودتر از این که سر و صداها با نوشتن اخبار در مطبوعات بلند شود، به ما خبر رسید که امام علاقه مند هستند به وطن بازگردند، شما کاری می توانید بکنید که این تبعید بشکند و دولت مجبور به پذیرفتن حضور ایشان در ایران شود؟ ما در استودیو برای ضبط این کار مخفیانه کار کردیم، به طوری که شب ها ساعت ۳۰ : ۱۹ که حکومت نظامی شروع می شد، ما به این استودیو می رفتیم و ۳۰ : ۷ صبح بیرون می آمدیم. در این مدت همه نوازنده ها و خواننده ها، پابرهنه وارد استودیو می شدند تا جای پای کسی روی زمین نباشد. همچنین هر چند دقیقه یکبار، پنجره ها را باز می کردیم تا هوا جابه جا شود. آن استودیو در محله ارمنی نشین ها بود و این دوستان با ما همکاری زیادی می کردند، به طوری که آنها پشت پنجره ها کشیک می دادند و وقتی ماشین گشت می آمد، با طناب زنگوله دار که روبه روی استودیو آویزان کرده بودند، به ما خبر می دادند. ما نیز سکوت می کردیم تا ماشین رد شود.

آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو

شاعر: حمید سبزواری
خواننده: اسفندیار قره باغی
آهنگساز: احمد علی راغب

- **قسمتی از متن شعر**: «آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو / خون جوانان ما، می چکد از چنگ تو ... جور و جفا در تو هست، مهر و وفا در تو نیست/ زهر بلا در تو هست، شهد صفا در تو نیست / در همه دور زمان، چون تو ستمکاره نیست / عامل هر فتنه ای، صلح و صفا در تو نیست»
- **نکته**: این ترانه در ۴۸ ساعت ساخته شد.

در همان سال های آخر دوره پهلوی از خطه تبریز نام جوانی بر سر زبان ها افتاد که اکنون پیشکسوتی است در عرصه موسیقی. او خیلی زود صدای انقلاب لقب گرفت و سرود آمریکا آمریکایش در یادها ماند. اسفندیار قره باغی خواننده سرود «آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو» درباره خاطره خواندن این آهنگ گفته است: «شبی در منزلی بودیم و مرحوم سید احمد خمینی هم که در آن جمع حضور داشت، به ما گفت چرا علیه آمریکا آهنگی نمی سازید؟ همان صحبت یادگار امام(ره)، برای ما انگیزه ای شد و همان شب حمید سبزواری تا صبح نشست و شعر «آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو» را سرود. روز بعد «احمد علی راغب» آهنگسازی این قطعه را انجام داد و یک روز بعد نیز سید محمد میرزمانی آهنگ را تنظیم کرد و فردای آن روز در رادیو، نوار ترانه «آمریکا آمریکا ننگ به نیرنگ تو» را جمع کردیم. می توانم بگویم که این اثر جزو نادرترین آهنگ هایی بود که در ۴۸ ساعت آن را تنظیم و ضبط کردیم در حالی که الان اگر بخواهیم یک آهنگ ساده را هم ضبط کنیم یک ماه طول می کشد. با این حال، دلیل اثر گذاری این اثر فقط به این علت بوده که سروده و شعر آن، بر مبنای واقعیت محض بوده و هست و اکنون بعد از گذشت چند دهه مردم کشور عزیزمان همچنان این اثر را زمزمه می کنند.

ایران ایران ایران رگبار مسلسل ها

شعر: افشین سرفراز
خواننده: رضا رویگری
آهنگساز: فریدون خشنود

- **قسمتی از شعر**: «ا...، ا...، ا...، لا اله الا ا...، لا اله الا ا...، ایران ایران ایران، رگبار مسلسل ها، ایران ایران ایران، مشته شده بر ایوان، ایران ایران ایران، بنگر که همه فریاد، بنگر که همه توفان...»
- **نکته**: منبع الهام این شعر فریادهای ا... اکبر مردم بود

رضا رویگری درباره این سرود گفته است ... روزهای راهپیمایی و شلوغی و تظاهرات داشتیم نمایشی به نام «سهراب و عصر سنجاقک» را تمرین می کردیم که به دلیل شلوغی آن روزها از قید تمرین گذشتیم. همان موقع فریدون خشنود، آهنگساز و تنظیم کننده سرود ایران ایران رگبار مسلسل ها به من گفت: آهنگی دارم، حاضری آن را بخوانی؟ من ابتدا قبول نکردم چون گفتم حرفه من خوانندگی نیست و از طرفی با خودم فکر کردم چه کسی در این شلوغی حوصله شنیدن آهنگ دارد ولی فریدون خشنود اصرار داشت که چون این فریاد از دل مردم بیرون می آید لاجرم بر دلشان هم می نشیند. انگار او می دانست که این سرود ماندگار خواهد شد. قبول کردم و برای ضبط آن به استودیوی صبا رفتیم. ۲ بار این سرود را در منزل آقای خشنود تمرین کردیم و ۲ بار هم در استودیوی صبا. فریدون خشنود آهنگساز و تنظیم کننده این سرود هم در باره حال و هوای خواندن این شعر می گوید: زمستان سال ۵۷ شب های سردی داشت و ما زمانی کار را شروع کردیم که تازه حکومت نظامی اعلام شده بود. از ۸ شب خاموشی شروع می شد. تنها صدایی که در آن شب های تاریک، خلوت و سرد شنیده می شد صدای ا... اکبر و رگبار مسلسل بود که گاهی قطع می شد و گاهی با هم آوایی چندین نفر ادامه می یافت. به عنوان یک آهنگساز تحت تأثیر هارمونی و هماهنگی صدای ا... اکبر از پشت بام خانه ها قرار گرفتم. منبع الهام این موسیقی خود مردم بودند و فریاد ا... اکبرشان.

یار دبستانی من با من و همراه منی

خواننده: جمشید جم

- **قسمتی از شعر**: «یار دبستانی من، با من و همراه منی/ چوب الف بر سر ما، بغض من و آه منی/ حک شده اسم من و تو، رو تن این تخته سیاه/ ترکه بیداد و ستم، مونده هنوز رو تن ما/ دشت بی فرهنگی ما، هرزه تموم علفاش/ خوب اگه خوب، بد اگه بد، مرده دلای آدماش/ دست من و تو باید این، پرده ها رو پاره کنه/ کی می تونه جز من و تو، درد ما رو چاره کنه؟...
- **نکته**: این شعر به عشق شهدای نوجوان خوانده شده است

اگرچه جمشید جم هم به اعتراف خودش در روزهای اول ضبط این آهنگ هرگز فکر نمی کرد ترانه یار دبستانی بتواند تا این میزان با استقبال رو به رو شود اما این ترانه نه تنها با نسل دوره انقلاب ارتباط برقرار کرد بلکه نسل های دوم، سوم و چهارم بعد از انقلاب هم جم را با این ترانه می شناسند. جمشید جم سال ۵۷ وارد رادیو شد و به عنوان کارشناس ـ مجری، تهیه کننده و پژوهشگر موسیقی، برنامه های متنوعی را تا به امروز تولید کرده و همچنان به فعالیتش در این رسانه ادامه داده است. جمشید جم درباره یار دبستانی من می گوید: اوج حرکت های مردمی بود و کوچه ها پر بود از عکس جوان ها و نوجوانانی که شهید شده بودند؛ در کوچه و خیابان پنجه های خونینی که بر در و دیوار خورده بود دل را به لرزه می انداخت و من این شعر را با چشم های بسته و به عشق همان شهدای نوجوان خواندم. ۶ ماه پس از انقلاب، کاست این ترانه را روانه بازار کردیم. این کاست بازار موسیقی ایران را که در حال برچیده شدن بود احیا کرد و تا سال ها این ترانه ورد زبان مردم بود.